

بررسی برخی فرایندهای واجی در گویش دارابی

ناصر رشیدی*

فرخنده رهسپار**

چکیده

مقاله حاضر به توصیف و تحلیل برخی از مهم‌ترین فرایندهای واجی گویش دارابی در شهرستان داراب در چارچوب واج‌شناسی خودواحد می‌پردازد. در جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات این گویش، از چند تن از گویشوران بومی و متون مکتوب استفاده شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نوع همزمانی است. همگونی و ناهمگونی، حذف، تضعیف، قلب و ابدال از فرایندهایی‌اند که در این مقاله تحلیل و بررسی شده‌اند. در این گویش، در محیط بعد از واکه یا پایان کلمه، برخی از تقابل‌ها از بین می‌رود، ولی تقابل همخوان در محیط آغاز کلمه و آغاز هجا حفظ می‌شود. در همگونی بین /f/ و /s/ که از نوع کامل است، همخوان /t/ با همخوان قبل از خود در ویژگی پیوسته‌بودن همگون می‌شود. در ناهمگونی بین /n/ و همخوان‌های /s/ و /z/ همخوان /n/ قبل از همخوان لثوی به /m/ تبدیل می‌شود. در فرایند قلب، جابجایی همخوان‌ها صورت می‌پذیرد. در تناوب بین /b/ و /v/ همخوان /b/ قبل از واکه کشیده، تبدیل به سایشی واکدار /v/ می‌شود. در حذف همخوان‌های پایانی صرفاً علت سهولت در تلفظ مؤثر است.

کلیدواژه: فرایندهای واجی، همگونی، ناهمگونی، حذف، تضعیف، قلب، ابدال،

گویش

* استاد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه شیراز

۱. مقدمه

با توجه به اینکه هرزبانی در طول تاریخ به علت تاثیرات مختلف، از جمله عوامل جغرافیایی، مهاجرت، ارتباط با زبان‌های دیگر و ... دستخوش تغییر و تحولات فراوان می‌گردد و از این رهگذر موجب تولد گونه‌ها و صورت‌های مختلف می‌شود. لازم است به دو مفهوم گویش و لهجه اشاره کنیم.

یول (۱۹۴۷:۱۹۵)، نقل شده در هادیان و علی‌نژاد (۱۳۹۲)، با تمایز قائل شدن بین این دو مفهوم، معتقد است که «مفهوم لهجه محدود است به جنبه‌های تلفظی» و مشخص می‌کند که فرد متکلم از نظر منطقه‌ای یا اجتماعی اهل کجاست؛ در حالی که گویش ویژگی‌های دستوری و واژگانی و همچنین تلفظی را در بر می‌گیرد.

هارسون (۱۹۹۶:۴۲)، نقل شده در هادیان و علی‌نژاد (۱۳۹۲)، معتقد است که تلفظ بیش‌تر از دستور و واژگان، به گونه‌های زبانی جغرافیایی و اجتماعی حساس است؛ به طوری که می‌توان بین لهجه و گویش اینگونه تمایز قائل شد که لهجه به تلفظ اشاره دارد و گویش به دیگر جنبه‌های زبان. بر اساس دسته‌بندی‌های مذکور، در این تحقیق از دارایی با عنوان گویش دارایی نام برده می‌شود.

شهرستان داراب به مرکزیت شهر داراب در جنوب شرقی استان فارس و با وسعت ۶۵۴۱ کیلومتر مربع قرار گرفته است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۱۸۰ متر و فاصله آن تا مرکز استان ۲۵۴ کیلومتر است. جمعیت داراب بالغ بر ۱۹۰۰۰۰ نفر است که دارای جمعیت روستایی بزرگی است. کهن‌ترین مأخذی که از داراب سخن به میان آورده است، متنی پهلوی ساسانی مربوط به سال ۱۳۷ ه.ق است که نویسنده آن به صراحت سازنده شهر را داریوش سوم پسر اردشیر هخامنشی می‌داند. بنابراین داراب دارای قدمتی بیش از ۲۴۰۰ سال است. این شهر در گذشته دارابگرد نامیده می‌شده است که قدمت تاریخی آن زبانه‌زد خاص و عام است (یوسف جمالی و سلیمی، ۱۳۸۴). به علت تمایل روزافزون نسل جدید در استفاده از فارسی معیار و همچنین به دلیل مهاجرت زیاد جمعیت روستایی به شهر، علاقه به استفاده از این گویش روز به روز رو به کاهش است.

منظور از فارسی معیار، آن گونه فارسی است که در صدا و سیمای ایران و گویندگان خبر استفاده می‌شود. در این پژوهش سعی شده است گویش دارایی از دیدگاه واجی بررسی شود. روش

تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و به بررسی روند تاریخی زبان و تغییرات آن در طول زمان توجهی نشده است؛ یعنی تحقیق از نوع همزمانی است.

نگارنده برای جمع آوری داده‌ها از منابع زیر استفاده کرده است:

- ۱- ضبط سه ساعت مکالمه روزمره چهار گویشور بین سنین سی تا شصت و پنج سال.
- ۲- استفاده از کتاب «فرهنگ لغات و اصطلاحات عامیانه داراب»، نوشته سید عبدالعلی پدرام.

تاکید این مقاله بر تغییرات واجی است که طبق نظر مارتینه (۱۳۸۰، ۲۶-۲۳) به نقل از کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۵-۶۴و۶۳) به مجموعه‌ای از تاثیراتی اطلاق می‌شود که واج‌ها روی زنجیره گفتار بر واج‌های مجاور می‌گذارند و در اثر آن، گونه‌های وابسته و تغییرات آوایی حاصل می‌شود. این تاثیر و تغییر مشروط است و در بافت زبان صورت می‌گیرد.

۱.۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

بررسی فرایندهای واجی گویش‌های مختلف ایرانی یکی از پروتوق‌ترین مباحث زبان‌شناسی جدید در دوره‌های اخیر محسوب می‌شود. با توجه به اینکه پیشینه خاصی در پژوهش‌های گویش دارابی موجود نیست، بررسی و مطالعه فرایندهای رایج در این گویش هدف تحقیق حاضر می‌باشد. این تحقیق بدنبال پاسخ‌گویی به چند پرسش است:

- برخی فرایندهای موجود در این گویش کدامند؟
 - چگونگی عملکرد این فرایندها در گویش دارابی چگونه است؟
 - براساس نظریه خودواحد، هر فرایند را چگونه می‌توان توجیه کرد؟
- سعی شده که چند فرایند رایج‌تر بررسی و با داده‌ها سنجیده شود و عملکرد آنها را توضیح دهیم و در آخر قاعده مربوط به هر فرایند از منظر نظریه خود واحد توجیه کرد.

۲.۱. پیشینه پژوهش

از نظر زبان‌شناختی، تاکنون هیچ اثر علمی زبانی درباره گویش دارابی منتشر نشده است. اما در مورد این گویش کتاب‌های مختصری به چاپ رسیده است. نیز درباره آداب و رسوم مردم این دیار

مطالبی نگاشته شده است که از آن جمله می‌توان کتاب «شهر من داراب» نوشته حسین آزما و «فرهنگ لغات و اصطلاحات عامیانه داراب» نوشته عبدالعلی پدرام را نام برد.

در مورد فرایندهای واجی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی تلاش‌های علمی فراوانی صورت گرفته‌است. در گفتار حاضر، از مقالات و پایان‌نامه‌هایی بهره برده‌ایم که فرایندهای مورد نظر را بررسی کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۱) در "فرایندهای واجی مشترک در گویش‌های استان کرمان" به بررسی فرایندهایی مثل تضعیف، حذف همخوان‌های چاکنایی h و ؟ بعد از واکه، حذف همخوان /t/ در پایان خوشه‌های همخوانی /-xt/ و ... می‌پردازد. نتیجه حاصل از این بررسی، غالب بودن فرایند تضعیف بر فرایند تقویت است.

احمدخانی (۱۳۸۸) در "بررسی همزمانی و درزمانی قلب واجی در زبان فارسی" به فرایند قلب واجی پرداخته است. در این فرایند واج‌ها معکوس می‌شود که می‌تواند به دو صورت منظم و غیر منظم باشد و همچنین می‌تواند انواعی داشته باشد و درباره رعایت اصل رسایی مطالبی آورده شده است.

هادیان و علی‌نژاد (۱۳۹۲) در "مقایسه فرایندهای واجی گویش اصفهانی و زبان فارسی در چار چوب نظریه بهینگی" به مهم‌ترین فرایندهای واجی این گویش از جمله تبدیل واکه به غلت، هماهنگی واکه‌ای، ناهمگونی همخوان و واکه پرداخته و نتیجه گرفته‌اند صورت بهینه در گویش اصفهانی با فارسی معیار متفاوت است.

کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۶) در بررسی "برخی از فرایندهای واجی در گویش گیلکی رود سر" به همگونی (همگونی همخوان‌ها، هماهنگی واکه‌ها)، حذف (حذف همخوان پایانی، حذف همخوان میانی)، تبدیل واکه /a/ به واکه /o/، تبدیل خوشه‌های -nn به صورت -nd، تضعیف، قلب، کشش جبرانی، تبدیل همخوان /r/ به همخوان /l/ می‌پردازد. نتیجه این پژوهش این است که قواعد همگونی، حذف و تضعیف از پربسامدترین فرایندها و تبدیل خوشه‌های -nn به صورت -nd از کم بسامدترین فرایندها در این گویش به شمار می‌رود.

آقاگلزاده (۱۳۸۳) در "تغییرات آوایی و فرایندهای واجی فعال در گویش مازندرانی" به فرایندهای فعال از قبیل فرایند تشدید عارضی، همگونی، تضعیف یا نرم شدگی در این گویش می‌پردازد و نشان می‌دهد که تغییرات آوایی و واج‌شناختی در گویش مازندرانی در چارچوب نظریه

واج شناسی خودواحد و خطی قابل توصیف و تبیین است و دیگر اینکه از میان فرایندهای نام برده- شده فرایند تضعیف و همگونی بیش از فرایند تقویت در گویش مازندرانی فعال هستند.

کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۵) در پژوهشی دیگر با عنوان "فرایندهای واجی در گویش دلواری" به فرایند کشش جبرانی و همگونی کامل و ناقص، تضعیف، درج و حذف می‌پردازد که نتایج تحقیق حاکی از آن است که دو فرایند تضعیف و حذف فعال‌تر از سایر فرایندها می‌باشد و دیگر اینکه برخی فرایندهای اعمال‌شده به منظور دستیابی به ساخت‌های هجایی مطلوب و قابل قبول در واج‌آرایی این گویش صورت پذیرفته است.

کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۹۰) در "مقایسهٔ مشددسازی و تشدیدزدایی در زبان فارسی و گویش‌های ایرانی" به فرایند واجی تشدیدزدایی می‌پردازد که در برخی زبان‌ها از جمله فارسی وجود دارد. هدف، معرفی و بیان مشخصه‌های این فرایند و بررسی رابطهٔ آن با فرایندهای واجی دیگر است. او در پایان نتیجه می‌گیرد که تشدید زدایی زمینه‌ساز ایجاد سایر فرایندهای واجی است.

در آخر، کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۹۳) در "فرایندهای واجی همخوانی در گویش کردی کلهری"، انواع فرایندهای واجی همچون همگونی، حذف در جایگاه میانی و پایانی، درج آغازی و میانی، تضعیف و تقویت و قلب را بررسی کرده و مشخص ساخته که تضعیف و حذف پربسامدترین و درج کم‌بسامدترین فرایند واجی در آن گویش است.

۲. تحلیل داده‌ها

بخش واژگان زبان بیش از دیگر بخش‌ها از تغییرات فرهنگی، علمی، تاریخی و ... تاثیر می‌پذیرد و این تغییرات ممکن است در تلفظ و شکل نوشتاری و معنا خود را نشان دهد. اغلب تغییرات حاصل‌شده در شکل نوشتاری و گفتاری واژه‌ها در جهت تسهیل تلفظ واژه‌ها حرکت می‌کند. تاثیر واحدهای آوایی از یکدیگر در زنجیرهٔ کلام را به صورتی که نمود واجی پیدا کند، فرایند واجی می‌نامیم که انواع مختلف را شامل می‌شود. در این پژوهش نمونه‌های رایج‌تر بررسی شده- است.

داده‌ها بر اساس واج شناسی خودواحد که اولین بار در رسالهٔ دکتری "گلد اسمیت" با مطرح شدن در مورد زبان‌های نواختی ارائه شد و سپس به زبان‌های آهنگین تعمیم داده شد، بررسی شدند. واج شناسی خودواحد را در حقیقت شاخه و حوزه‌ای از واج شناسی زایشی باید دانست.

بررسی‌ها نشان داد که در این گویش فرایندهایی مثل همگونی، ناهمگونی، حذف و تضعیف وجود دارد. در این پژوهش، ابتدا فرایند واجی مورد نظر به صورت اجمالی توضیح داده می‌شود و سپس، مجموعه‌ای از داده‌های موجود آورده و در آخر قاعده‌ای ارائه می‌شود.

۱.۱.۲. همگونی

یکی از متداول‌ترین انواع فرایندهای واجی همگونی است. در این فرایند، نوعی ساده‌سازی حرکات عضلانی که برای تولید یک واژه یا عبارت ضروری است، به وجود می‌آید. فرایند همگونی، تقریباً در تمام زبان‌های دنیا، پدیده‌ای رایج است. بررسی انواع فرایندهای همگونی مشخص می‌کند چه مشخصه‌هایی می‌توانند استقلال داشته باشند. در همگونی، یک واحد واجی به واحد واجی دیگر، در یک یا چند مشخصه شبیه می‌شوند. فارتانی (در: هارد کا سل ولی و، ۱۹۹۷: ۳۷۶ به نوشته کرد زعفرانلو (۱۳۸۵: ۱۶۸)) می‌نویسد:






"همگونی متعلق به حوزه توانش زبانی است که از طریق قواعد واجی توجیه می‌شود و اشاره به تغییراتی می‌کند که در مشخصه‌ها صورت می‌گیرد. بنا براین، فرایندهای همگونی، بخشی از دستور خاص زبان محسوب می‌شود؛ هرچند که در همه زبان‌ها دیده می‌شود."

آراتو (۱۳۸۴: ۹۴) به نقل از کامبوزیا و همکار (۱۳۹۳: ۱۹۸)) دو نوع همگونی پس‌رو و پیش‌رو را از هم متمایز می‌کند. وی همگونی پس‌رو را روندی می‌داند که در آن، یک همخوان با همخوانی که پس از آن می‌آید، مشابه می‌شود. همگونی پیش‌رو هنگامی رخ می‌دهد که واج نخست ثابت می‌ماند و به طریقی واج دوم را شبیه خود می‌کند.

۱.۱.۲. همگونی بین /s/ و /t/

فرایند همگونی معمولاً بین دو آوا پدید می‌آید و دو آوا (همخوان یا واکه) در یک یا چند مشخصه به هم شبیه می‌شوند. در گویش دارابی، اگر همخوان /t/ بعد از همخوان /s/ قرار گیرد، مشخصه انسدادی خود را از دست می‌دهد و به جای آن، مشخصه سایشی را از همخوان مجاور قبل از خود به دست می‌آورد. این فرایند که همگونی پیش‌رو هم نامیده می‌شود، در لهجه‌ها و گویش‌های دیگر هم به چشم می‌خورد و یکی از همگونی‌های متداول است. داده‌های زیر در گویش دارابی موجود است:

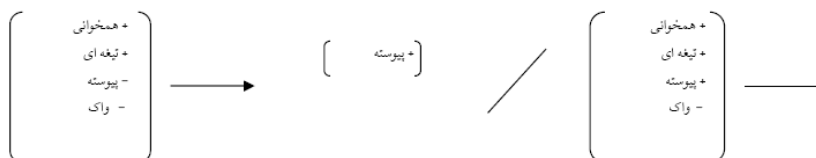
۴۷ بررسی برخی فرایندهای واجی در گویش دارابی

| فارسی معیار | | گویش دارابی |
|---------------------|---|----------------------|
| پلاستیک [plāstic] |  | پلاستیک [plāssic] |
| پیش دستی [pišdasti] |  | پیش دسی [Pišdassi] |
| تابستان [tābestān] |  | تاوِسْئَن [tāvesson] |
| زمستان [zemestān] |  | زمسْئَن [zemesson] |
| دسته [daste] |  | دسه [dasse] |

قاعده زیر را می‌توان نتیجه گرفت:

t → /

s s



قاعده فوق نشان‌دهنده این مطلب است که همخوان /t/ با همخوان قبل از خود یعنی /s/ در مشخصه [+پیوسته] همگون می‌شود و این همگونی علاوه بر پیش‌رو بودن، از نوع کامل است.

۲.۲. ناهمگونی

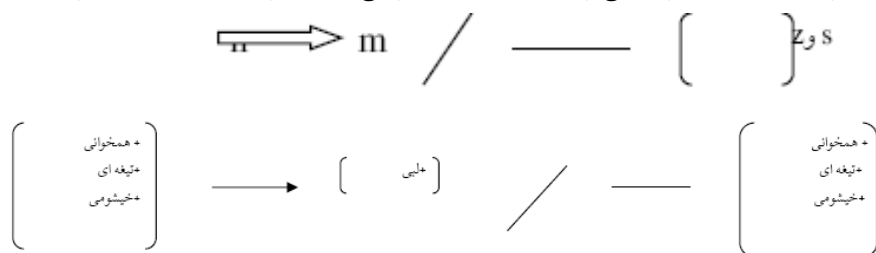
ناهمگونی یکی از فرایندهای واجی در زبان‌ها است که در اثر آن، شباهت در واحد واجی به یکدیگر کمتر می‌شود؛ زیرا یکی از واحدهای واجی مشابه در جهت تمایز و ایجاد تغییر، ناهمگون می‌شود. البته هادیان و علی‌نژاد (۱۳۹۲: ۱۰۰) می‌نویسند: ”به اعتقاد آالاتو (۱۳۷۳: ۱۲۵) این فرایند- که درست عکس همگونی است- بسیار غیرمعمول‌تر از همگونی است. به عبارت دیگر، فرایند واجی ناهمگونی به علت ایجاد تمایز بیشتر در واژگان یک زبان روی می‌دهد.“

۲.۲.۱. ناهمگونی بین /n/ و همخوانهای لثوی /s/ و /z/

هرگاه همخوان /ن/ قبل از همخوانهای لثوی واقع شود، به همخوان /م/ تبدیل می‌گردد تا ناهمگونی صورت گیرد. داده‌های زیر در گویش دارابی موجود است:

| فارسی معیار | | گوش دارایی |
|------------------|------|---------------|
| شانس [šāns] | □□ → | شامس [šāms] |
| پانزده [pānzdah] | □□ → | پمزه [pomze] |
| شانزده [šānzdah] | □□ → | شمزه [šomze] |
| پانصد [pānsad] | □□ → | پمصد [pomsad] |

با توجه به مثال‌های فوق، می‌توان قاعده آن را به صورتی که در زیر آمده است، ارائه نمود:



قاعده فوق نشان می‌دهد که همخوان خیشومی تیغه‌ای /n/ در مجاورت همخوان‌های سایشی لثوی به خیشومی لبی تبدیل می‌شود.

۳.۲. قلب

یکی دیگر از فرایندهای بررسی شده در این پژوهش، قلب است. در این فرایند واجی جای برخی از واج‌های یک واژه باهم جابه‌جا می‌شود. این نوعی فرایند نسبتاً غیرمعمول از دگرگونی صوتی است که جابه‌جاشدن محل دو صوت مجاور است. بنابراین آراتو (۱۳۸۴:۱۲۷) فرایند قلب یک نوع دگرگونی آوایی است که از جابجا شدن دو آوای مجاور حاصل می‌شود. در فرایند قلب در بافت $vc_1c_2(v)$ همخوان‌های c_1 و c_2 به صورت $vc_2c_1(v)$ جابجا می‌شوند. داده‌های مربوط به این فرایند به صورت زیر است:

۴۹ بررسی برخی فرایندهای واجی در گویش دارابی

| فارسی معیار | | گویش دارابی |
|------------------|------|------------------|
| تنها [tanhā] | □□ → | تهنا [tahnā] |
| زبر [zebr] | □□ → | زرب [zerb] |
| سفره [sofre] | □□ → | سرفه [sorfe] |
| قفل [gofl] | □□ → | قلف [golf] |
| کبریت [kerbit] | □□ → | کریبت [kerbit] |
| نفع [nafʔ] | □□ → | نعف [nāʔf] |
| پرده [parde] | □□ → | پدره [padre] |
| نرخ [nerx] | □□ → | نخر [nexr] |

قاعده این فرایند به صورت زیر میتوان نمایش داد.

C1 C2 → C2 C1 / V

این قاعده نشان دهنده این است که دو همخوان در شرایطی که بعد از هسته واکه قرار گیرند، جابه جا می شوند.

۲ . ۴ . ابدال

از فرایندهای واجی دیگر می توان ابدال را نام برد که در آن، برخی از واج هایی که در کنار هم قرار می گیرند، به دلیل هم نشینی ویژگی های هم را می گیرند و یکسان می شوند. ابدال در همخوان و واکه اتفاق می افتد.

ابدال در همخوان ها:

هرگاه دو واج (b , n) بی فاصله در کنار یکدیگر واقع شوند، واج / n / به واج / m / تغییر می -

کند. مثل: منبر و ممبر

ابدال در واکه ها:

از این نمونه می توان به تغییرات واجی و آوایی در فعل امر اشاره کرد. مثل: تبدیل کسره در امر

به ضمه در کلماتی که با / v / همراه هستند. بخور و بخور

البته ابدال گاه نمود نوشتاری نیز پیدا می کند. مثل: سپید و سفید.

۲. ۴. ۱. تبدیل همخوان /r/ به /l/

در این گویش، همخوان /r/ در مواضع میانی و پایانی گاهی به همخوان /l/ تبدیل می‌شود. شایان ذکر است که همخوان /l/ مشخصه [+کناری] است؛ در حالی که همخوان /r/ دارای مشخصه [-کناری] می‌باشد و در بقیه مشخصه‌ها این دو همخوان یکسان هستند. داده‌های مربوط به این فرایند در گویش دارابی از این قرار است:

| فارسی معیار | | گویش دارابی |
|-----------------|--------------|----------------|
| برگه [barʒe] | □□ → [balʒe] | |
| خبر [Xabar] | □□ → | خول [xaval] |
| سرفه [sorfe] | □□ → | سلفه [solfe] |
| دیوار [divār] | □□ → | دیوال [divāl] |
| سوراخ [surāx] | □□ → | سولاخ [sulāx] |
| قیر [qir] | □□ → | قیل [qil] |
| شکار [šecār] | □□ → | شکال [šecāl] |
| زنجیر [zanjir] | □□ → | زنجیل [zanjil] |
| تارونه [tārune] | □□ → | تالنه [tālone] |

نکته درخور توجه اینکه پسوند "ار" در بقیه صورت‌های اشتقاقی به "ال" تبدیل نمی‌شود. مثلاً کردار که به کردال تبدیل نمی‌شود زیرا پسوند "ار" صورت زیرساختی دارد.

۲. ۵. تضعیف

کاهش قدرت کلی آوا را تضعیف می‌نامیم. فرایندهایی نظیر تبدیل انسدادی به سایشی، تبدیل سایشی به ناسوده، تبدیل آوای بی‌واک به آوای واکدار و حذف آوای ضعیف‌شده را می‌توان تحت عنوان فرایند تضعیف یا نرم‌شدگی نامگذاری کرد. عکس فرایندهای مذکور، فرایند تقویت نامیده می‌شود. در حالت کلی، تقویت تولید آواها با افزایش قدرت ماهیچه‌ای و جریان هوا اتفاق می‌افتد.

از آنجا که می‌دانیم در آواشناسی، آوای بی‌واک، قوی و آوای واکدار، ضعیف محسوب می‌شوند، می‌توان گفت که تبدیل یک آوا، به طور مثال تبدیل یک سایشی به انسدادی، تقویت و عکس این فرایند تضعیف نامیده می‌شود که در آن نیروی ماهیچه‌ای و جریان هوا ضعیف می‌شود.

۵۱ بررسی برخی فرایندهای واجی در گویش دارابی

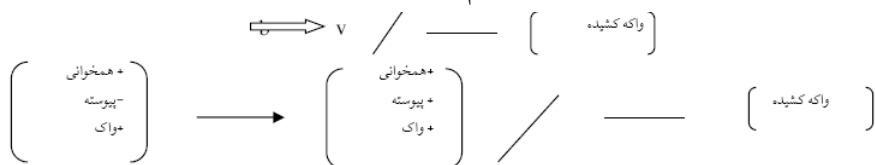
در مورد فرایند سایشی شدگی نیز می‌توان گفت که در تبدیل انسدادی‌ها به سایشی‌ها، بهترین محیط زمانی فراهم می‌شود که انسدادی‌ها بعد از واکه‌ها قرار گیرند. در این صورت، فرایند سایشی-شدگی شکل می‌پذیرد.

۲. ۵. ۱. تناوب میان /b/ و /v/

تضعیف همخوانهای غیر خیشومی /b, f/ و تبدیل آنها به /v/ (w و v) در پایانهٔ هجا در بسیار از گویش‌های ایرانی دیده می‌شود. در داده‌های گردآوری‌شده در گویش دارابی، اگر همخوان /b/ قبل از واکه کشیده قرار گیرد، مشخصهٔ انسدادی خود را از دست داده و تبدیل به سایشی می‌شود که واکنش می‌باشد؛ یعنی همخوان /b/ به سایشی /v/ تبدیل می‌شود.

| فارسی معیار | | گویش دارابی |
|-------------------|---|-----------------|
| عبا [ʔabā] | ⇒ | عوا [ʔavā] |
| قبا [qabā] | ⇒ | قوا [qavā] |
| وبا [vabā] | ⇒ | ووا [vavā] |
| کالباس [cālbās] | ⇒ | کالواس [cālvās] |
| صابون [sābun] | ⇒ | ساون [sāvon] |
| خیابان [xiābān] | ⇒ | خیاون [xiyāvon] |
| زبان [zābān] | ⇒ | زاون [zavon] |
| ببخشید [bebaxšid] | ⇒ | بوخشی [bovaxši] |
| بی بی [bibi] | ⇒ | بی وی [bivi] |
| زیبا [zibā] | ⇒ | زیوا [zivā] |

برای داده‌های بالا از قاعده زیر استفاده می‌کنیم:



تبدیل همخوان انسدادی /b/ به همخوان سایشی /v/ در محیطی که همخوان انسدادی بعد از واکه قرار گرفته باشد را سایشی شدگی می‌نامیم که خود نوعی فرایند تضعیف است.

۲.۶. حذف

یکی دیگر از فرایندهای واجی بررسی شده، حذف همخوان پایانی است که بیشترین نوع حذف را شامل می‌باشد. در گفتار پیوسته، معمولاً خوشه‌های همخوانی با حذف یک همخوان، ساده می‌شوند و از تعداد هجاهای کلمات هم‌هجایی، با حذف یک واکه کاسته می‌شود. حذف با درج در تقابل است. ممکن است یک عنصر واجی یا یک واحد زنجیری از قبیل همخوان، واکه یا هجا از جایگاه آغازی، میانی یا پایانی کلمه حذف شود.

۲.۶.۱. حذف همخوان‌های پایانی

یکی از موارد رایج حذف در این گویش، حذف همخوان‌های پایانی است که به نظر می‌رسد صرفاً به علت سهولت در تلفظ رخ می‌دهد.

| فارسی معیار | | گویش دارابی |
|-------------------|------|-----------------|
| [lamp] لامپ | □□ → | [lam] لام |
| [pasin] پسین | □□ → | [pasi] پسی |
| [pas] پس | □□ → | [pa] په |
| [bebaxšid] ببخشید | □□ → | [bevaxši] بوخشی |
| [intour] اینطور | □□ → | [ito] ایطو |
| [māš'in] ماشین | □□ → | [māš'i] ماشی |
| [nanāʔ] نعناع | □□ → | [nanā] نعه |
| [nako] نکن | □□ → | [nako] نک |
| [nist] نیست | □□ → | [ni] نی |
| [nefrin] نفرین | □□ → | [nefri] نیفری |

قاعده آن به شکل زیر می‌باشد:



۳. نتیجه‌گیری

فرایندهای واجی گویش دارابی بررسی شده در این پژوهش شامل همگونی، ناهمگونی، حذف، تضعیف، قلب، ابدال (تبدیل همخوان /r/ به /l/) بوده است.

این بررسی نشان می‌دهد در محیط بعد از واکه یا پایان کلمه، برخی از تقابلهای بین می‌رود؛ ولی تقابل همخوان در محیط آغاز کلمه و آغاز هجا حفظ می‌شود. همگونی بین /t/ و /s/ از نوع همگونی کامل است و همخوان /t/ با همخوان قبل از خود /s/ در پیوسته بودن همگون می‌شود. در ناهمگونی بین /n/ و همخوانهای /s/ و /z/، همخوان /n/ قبل از همخوان لثوی به /m/ تبدیل می‌شود. همخوان /ɾ/ به /l/ در مواضع میانی و پایانی به /l/ تبدیل می‌شود. در تناوب میان /v/ و /b/، همخوان /b/ قبل از واکه کشیده، مشخصه انسدادی را از دست می‌دهد و تبدیل به سایشی واکدار می‌شود؛ یعنی /b/ به /v/ تبدیل می‌شود. حذف همخوان‌های پایانی صرفاً به- علت سهولت در تلفظ رخ می‌دهد.

فرایندهای واجی و آوایی فراوان دیگری نیز وجود دارند که در این پژوهش مجال بررسی آنها فراهم نشد. ویژگی‌های زیرزنجیری و ساختمان هجا نیز در این گویش در خور توجه و بررسی و پژوهش می‌باشند.

کتاب‌نامه

- ۱- آزما، ناصر، (۱۳۷۰)، شهر من داراب، شیراز، کاوه آزما.
- ۲- آقاگلزاده، فردوس (۱۳۸۳)، «برخی تغییرات آوایی و فرایندهای واجی فعال در گویش مازندرانی»، مجله گویش ضمیمه نامه فرهنگستان، شماره سوم/۱۳۱.
- ۳- پدرام، سید عبدالعلی، (۱۳۹۰)، فرهنگ لغات و اصطلاحات عامیانه داراب، موسسه تاریخ علم و فرهنگ، قم، انتشارات مجمع ذخایر اسلامی.
- ۴- حق شناس، علی محمد، (۱۳۸۰)، آواشناسی (فونیتیک)، تهران، انتشارات آگاه.
- ۵- دبیر مقدم، محمد، (۱۳۸۷)، «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی»، مجله ادب پژوهی، شماره ۵، صص ۹۱-۱۳۸.
- ۶- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه، (۱۳۸۱)، «فرایندهای واجی مشترک در گویش‌های استان کرمان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۲، پیاپی ۹، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- ۷- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه، (۱۳۸۵). واج شناسی رویکردهای قاعده بنیاد، چاپ ۱۱، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی "سمت" انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۸- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و نعمتی، فاطمه، (۱۳۸۶)، « برخی فرایندهای واجی در گویش دلواری»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال ۱۶ و ۱۷، شماره ۶۳ و ۶۴، صص ۲۰۸-۱۸۱.
- ۹- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و شعبانی، منصور، (۱۳۸۶)، « برخی از فرایندهای واجی در گویش گیلکی رودسر»، مجله زبان و زبان‌شناسی، جلد سال سوم، شماره اول، صص ۳۸-۱.
- ۱۰- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و ملکی مقدم، ا، و سلیمانی، آ، (۱۳۹۰)، « مقایسه فرایندهای واجی همخوان‌های گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار»، جستارهای زبانی، د ۴ ش ۱، صص ۱۷۹-۱۵۱.
- ۱۱- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و ثباتی، الهام، (۱۳۹۳)، « فرایندهای واجی همخوانی در گویش کردی کلهری»، فصلنامه جستارهای زبانی، د ۵، ش ۱، صص ۲۲۲-۱۹۱.
- ۱۲- هادیان، بهرام و علی نژاد، بتول، (۱۳۹۲)، «مقایسه فرایندهای واجی مهم اصفهانی و زبان فارسی در چارچوب نظریه بهینگی»، جستارهای زبانی، شماره ۳(۱۵)، صص ۲۳۵-۲۱۹.
- ۱۳- یوسف جمالی، محمد کریم و سلیمی، بتول، (۱۳۸۴)، «دارابگرد از گذشته تا پایان عصر ساسانیان»، فصلنامه تاریخ، سال دوم، شماره هفتم، صص ۱۸۱-۱۵۱.